

# A Scientific Approach to the Spiritual Health of Government and Society in the Shadow of Social and Political Pathology, Centered on the Views of Imam Ali

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### Authors

Mohsen Abdolahi<sup>1\*</sup>

### How to cite this article

Mohsen Abdolahi, A Scientific Approach to the Spiritual Health of Government and Society in the Shadow of Social and Political Pathology, Centered on the Views of Imam Ali, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(3): 575-582.

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Lorestan University, Khorramabad, Iran (Corresponding Author).

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: [abdolahi.m@lu.ac.it](mailto:abdolahi.m@lu.ac.it)

### Article History

Received: 2022/01/14

Accepted: 2022/03/16

## ABSTRACT

The spiritual health of the society depends on the recognition of harms and efforts to remove them from the arena of society and government, and recognizing and rooting for social and government harms or pests is as important as trying to build and develop a healthy society and government. is. The comprehensive and complete school of Islam provides the most appropriate and efficient views and guidelines for all individual, social and government issues and does not explain any issue without focusing on spiritual health. For this reason, saving the society and the government from their pests is considered a fundamental and crucial concern. This important issue has been clarified in Islamic sources and texts, including the biographies of the great Imams, peace be upon them. The purpose of this research is to implement the views of Imam Ali (AS) in the direction of the spiritual health of the Islamic government and society. Spiritual health is the main course of political and social development and transformation. Imam Ali, peace be upon him, in his biography and the valuable sources that are based on it, have paid great attention to recognizing the harms of the society and the government and then trying to fix them, and have presented original ideas for advancement and progress. The tyranny and arbitrariness of the rulers, mismanagement and lack of thinking about the future, the aristocracy and specialism of the agents, the lack of trustworthiness of the rulers towards the government, the lack of obedience to the leader of the government, divisiveness, flattery and flattery and the lack of ethics for the people in the society and For the agents in the government, one of the most important and emphasized social and governmental harms in the life of that noble Imam. In this article, the most important components of the spiritual health of the government and political society in the shadow of social and political pathology, focusing on the views of Imam Ali (AS) and emphasizing two main and important harms; Due to their extensive role and effect in the direction of causing damage in the Islamic system and the need to avoid them, in the form of "weakness of belief in the society and government" and "incumbency of unworthy managers and rulers" in a scientific approach.

**Keywords:** Spiritual Health, Imam Ali, Nahj al-Balagha, Social Disasters, Government Disasters, Pathology, Government, Society.

## رویکردی علمی به سلامت معنوی حکومت و جامعه در سایه آسیب شناسی اجتماعی و سیاسی با محوریت

### دیدگاه های امام علی (ع)

محسن عبدالهی\*

استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران  
(نویسنده مسئول).

#### چکیده

سلامت معنوی جامعه در گرو شناخت آسیب ها و تلاش برای زدودن آنها از عرصه جامعه و حکومت است و شناخت و ریشه یابی آسیب ها یا آفات اجتماعی و حکومتی به همان اندازه اهمیت دارد که تلاش برای ساخت و توسعه یک جامعه و حکومت سالم مهم می باشد. مکتب جامع و کامل اسلام برای تمامی مباحث فردی، اجتماعی و حکومتی مناسب ترین و کارآمدترین دیدگاه ها و دستورالعمل ها را ارائه می نماید و هیچ مسئله ای را بدون محوریت سلامت معنوی تبیین نمی کند. به همین دلیل زدودن جامعه و حکومت از آفات آنها یک دغدغه اساسی و سرنوشت ساز به حساب می آید. این امر مهم در منابع و متون اسلامی و من جمله سیره امامان بزرگوار علیهم السلام نیز مورد تصریح قرار گرفته است. هدف این تحقیق پیاده سازی دیدگاه های امام علی (ع) در جهت سلامت معنوی حکومت و جامعه اسلامی می باشد. سلامت معنوی خط سیر اصلی توسعه و تحول سیاسی و اجتماعی است. امام علی علیه السلام در سیره خود و منابع ارزشمندی که مبتنی بر آن است اهتمامی بسیار نسبت به شناخت آسیب های جامعه و حکومت و سپس تلاش برای رفع آنها داشته اند و اندیشه هایی اصیل برای اعتلا و پیشرفت ارائه داده اند. ستم پیشگی و خودکامگی حکام، سؤتدبیر و عدم عاقبت اندیشی، اشرافی گری و ویژه خواری کارگزاران، عدم امانت داری حکام نسبت به حکومت، عدم فرمان برداری از رهبر حکومت، تفرقه گرایی، تملق و چاپلوسی و محور قرار نگرفتن اخلاق برای مردم در جامعه و برای کارگزاران در حکومت از مهم ترین و مؤکدترین آسیب های اجتماعی و حکومتی در سیره آن امام بزرگوار هستند. در این مقاله مهم ترین مولفه های سلامت معنوی حکومت و جامعه سیاسی در سایه آسیب شناسی اجتماعی و سیاسی با محوریت دیدگاه های امام علی (ع) و تاکید بر دو آسیب اصلی و مهم؛ به دلیل نقش و اثر گسترده آنها در راستای ایجاد خسارت در نظام اسلامی و ضرورت اجتناب نمودن از آنها، در قالب «ضعف اعتقادی جامعه و حکومت» و «روی کار آمدن مدیران و حکام ناشایست» در یک رویکرد علمی مورد کنکاش و مذاقه قرار می گیرد.

**واژگان کلیدی:** سلامت معنوی، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، آفات اجتماعی، آفات حکومتی، آسیب شناسی، حکومت، جامعه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

\* نویسنده مسئول: abdolahi.m@lu.ac.it

#### مقدمه

امام علی علیه السلام از نظر شیعیان افضل مردان پس از پیامبر (ص) بود و عدالت حکم می کرد که این افضلیت مورد شناسایی و التفات قرار گیرد. پذیرش این افضلیت در راستای فضیلت بخشی به کل جامعه و پاسداری از نعمت الهی به گردش در می آمد و تفسیر می شد. (۱) به گفته ابن ابی الحدید وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر (ص) نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت امام علی علیه السلام در کنار حضرتش بود... آن رسول گرامی (ص) خطاب به امام علی علیه السلام می فرمودند: اینک تسمع ما أسمع و تری ما أری، الا أنك لست نبی و لکنک لوزیر. به این معنی که تو آنچه را من می شنوم می شنوی و آنچه را من می بینم می بینی، جز آن که تو پیامبر نیستی بلکه وزیر و باور من هستی. (۲) امام علی علیه السلام عالم را سراسر تکوین یافته توسط حضرت حق و خدا را مالک مطلق می داند و هدایت تشریحی را مکمل آن تکوین به وسیله بعثت پیامبران و تداوم آن در قالب امامت می داند. از منظر امام علی علیه السلام حکومت نه به دلیل نقش آن در مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی، بلکه به دلیل نقش حکومت در شکل گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرنوشت مادی و معنوی مردم، جایگاهی مهم دارد. غایت حکومت در سیره علوی، اعلائی کلمه حق در فرد، جامعه و حکومت است. این یک آرمان الهی و بسیار مقدس است که در سراسر سیره رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و امامان بزرگوار علیهم السلام مشاهده می شود. سیره امام علی علیه السلام مبتنی بر دیدگاهی است که هدف از دست یابی به حکومت در آن، این است که جامعه انسانی را به سوی تکامل مادی و معنوی و در نهایت به سوی تقرب و کمال الهی سوق دهد و عدالت اجتماعی و زندگی مسالمت آمیزی را برای مردم جامعه فراهم آورد. امام علی علیه السلام زنده کننده حکومت آرمانی پیامبر اکرم (ص) بود و اگرچه خود نیز در تأسیس و پیشبرد آن نقشی برجسته داشتند، اما حدود ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر (ص) که زمامداری حکومت اسلامی را بر عهده گرفتند چهره حکومت اسلامی کاملاً دگرگون شده و بسیار دور شده از مبانی اصیل آن به نظر می رسید. معارف علوی گویاترین، استوارترین، مستحکم ترین و عینی ترین آموزه های روشنگر دین و زندگی است و کتاب نهج البلاغه مهم ترین سندی است که می تواند اندیشه علوی را ترسیم نماید. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه انگیزه خود را از حکومت داری فرمودن پروردگارا! تو می دانی آنچه ما انجام دادیم، نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه بدان سبب بود که نشانه های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقررات تو که به دست فراموشی سپرده شده بار دیگر عملی شود..

است. ایمان به خدا و آخرت در حکومت دینی نقش ممتاز و سرنوشت ساز دارد.

بر اساس آیه ۳۶ سوره مبارکه احزاب محور اصلی اعتقاد و ایمان صحیح اسلامی حرکت در مسیر فرمان خدا و رسول الله و داشتن پروای الهی است و تنها در این صورت فرد، و جامعه و حکومت دچار گمراهی و انحراف نخواهد شد:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا  
با این معنی که «و هیچ مرد و زن مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار نمایند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول او کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است».

با این وجود، مشکل دیگر در سر راه حکومت دینی شیوه های تحقق این امر مهم است. از یک سو، حکومت دینی مدعی دعوت به سوی اعتقادات و ارزش های دینی و الهی است و از طرفی دیگر به اتخاذ تصمیم های افراط آمیز و ایجاد محدودیت های اجتماعی دست می زند. در نتیجه می توان اذعان نمود که سیاست از دیدگاه دین اسلام و مکتب اسلام مترادف با اصلاح فرد، جامعه و حکومت است:

القیامُ علی الشیء بما یُصلحُه؛ سیاست یعنی متولی اصلاح چیزی شدن و به اصلاح امور پرداختن. (۴)

نگرش امام علی علیه السلام در خصوص جامعه، حکومت و سیاست ریشه گرفته از اندیشه توحیدی و الهی است و این نگرش در تفاوت با آنهایی است که سیاست را تنها در مفهوم قدرت خلاصه می کنند. آن حضرت بر اساس تفکر توحیدی جهان را آفریده خدای تعالی و او را مالک و حاکم مطلق هستی و تعیین کننده اصول و قوانین سعادت و خوشبختی انسان ها می داند. چون حق حاکمیت با خدا است و خداوند متعال همه شرایط لازم برای ارائه بهترین ضوابط و قواعد زندگی فردی و اجتماعی را دارا است و اطاعت صحیح و به هنگام از قوانین الهی انسان را در مسیر سعادت و هدایت قرار می دهد:

لِکِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ، وَجَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةَ الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ؛ لیکن خدای سبحان، حق خود بر بندگان را این قرار داد که اطاعتش کنند و پاداش آنان را بر این اطاعت، از روی لطف و گشایش خویش، چند برابر قرار داد. (۵)

وَالْأَمَانَةُ (الإمامة) نِظَاماً لِلْأُمَّةِ، وَالطَّاعَةَ تَعْظِماً لِلْإِمَامَةِ؛ خداوند امامت را برای سامان یافتن امورات و فرمانبرداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرده است. (۶)

با این مبانی مسلم و آشکار است که سیاست و حکومت در دیدگاه امام علی (ع)، تنها برای ساماندهی نظام اقتصادی و اجتماعی و تحقق امنیت و آزادی و رفاه مردم نیست. این سیاست یک کارویژه اساسی و مهم در سوق دادن و هدایت رفتار و اخلاق فرد و جامعه در راستای امور دینی و معنوی دارد:

النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ شباهت مردم به زمامدارانشان بیشتر است تا به پدرانشان. (۷) و در جایی دیگر می فرمایند: أَمَا مَرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ؛ آیا مرا فرمان می

همچنین ایشان در نخستین روز بیعت خود در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، بر بالای منبر رفته و برنامه های خود را بدون پرده پوشی چنین اعلام کرد:

«هان، بدانید که اوضاع و احوال جامعه شما به همان گونه ای بازگشته است که در روز بعثت پیامبر بود. سوگند به آن که او را برانگیخت تا حق را بگستراند و برقرار سازد، باید سخت زیر و رو و آزموده شوید. سپس بیخته و از هم جدا گردید و بر هم زده شوید؛ چنان که کفگیر در ته دیگ طعام زنند؛ بدان سان که هر که پایین افتاده فرا رود و هر که فرا رفته به زیر آید. باید پیش افتادگانی که عقب مانده اند، پیش افتند و پس افتادگانی که به ناروا سبقت جسته و برتر شده اند، به عقب کشانده شوند. به خدا سوگند، نه به اندازه سر سوزنی حقیقت را پنهان کردم و نه هیچ نوع دروغی گفتم.» (۳)

می توان استنتاج نمود حضرت علی علیه السلام تمام اهتمام خود را مبدول نموده تا بتوانند سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در تمام ابعاد فردی، اجتماعی و حکومتی و مبتنی بر اندیشه های مندرج در وحی الهی محقق نمایند. یکی از بهترین و کارآمدترین شیوه ها برای تحقق این امر مهم بیان انواع آفات و آسیب های محتمل فرا روی جامعه و حکومت اسلامی است و به همین دلیل آن امام بزرگوار (ع) در راستای برشمردن آفات و آسیب های مزبور و توصیه راه کارهای پیش گیری یا مقابله با آنها اهتمام وافر مبدول نموده اند. در این مقاله دو آفت محوری و بسیار مهم؛ به دلیل نقش و اثر گسترده آنها در راستای ایجاد خسارت در نظام اسلامی و به همین دلیل ضرورت اجتناب نمودن از آنها، در قالب «ضعف اعتقادی جامعه و حکومت» و «روی کار آمدن مدیران و حکام ناشایست» مورد واکاوی و شناخت قرار خواهد گرفت.

آسیب و ضعف اعتقادی در جامعه و حکومت از خصوصیات حکومت دینی این است که مبتنی بر اعتقادات و گرایش های دینی حرکت نماید و حکام اصول و عقاید دینی را در قالب مکتب پذیرفته و مبنای عمل قرار داده اند. این اصول و عقاید به امور مادی و حتی ارزش های انسانی و اخلاقی صرف محدود نمی باشد، چون در آن صورت وجه افتراقی میان حکومت های دینی و غیر آنها وجود نخواهد داشت. شایسته و ضروری است که این اصول در چارچوب اعتقادات و ارزش های دینی چون توحید، معاد، عالم غیب و جهان بینی الهی باشد. ای به طور دقیق برخلاف حکومت های سکولار و لامذهب، که مدعی جدایی از دین و نفی آن هستند، می باشد. حکومت های غیر دینی خود را نسبت به عقاید دینی جامعه غیر مسئول می دانند و نسبت به رواج بدعت ها، خرافات و بی هویتی خود را مسئول نمی دانند. اما حکومت دینی این است علاوه بر توجه به امور مادی و برقراری عدالت و اتکالی بر مردم در امر حکومت، نسبت به معنویت و هدایت مردم مسئول است و خود را مسئول می داند. حکومت دینی یک حکومت مبتنی بر ایمان است و لذا بیشترین سعی را می نماید که راه های تحقق شناخت و معرفت اجتماعی را فراهم نماید و موانع آن را بر طرف سازد و شبهات موجود را پاسخ دهد. مسئولیت محوری و مهم حکومت دینی یک مسئولیت معنوی و هدایت جامعه به سوی ایمان و جهان آخرت

دهید که پیروزی را طلب کنیم به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده ام» (۸).

با این وجود هنگامی که امام علی علیه السلام بر مسند خلافت و زعامت امور قرار گرفتند با مسائل و مشکلات متعدد مشتمل بر مشکل عدالت اقتصادی، مشکل عدالت اجتماعی، مشکل انحرافات و بدعت ها و مشکل رفاه گرایی و تضعیف ارزش های دینی رو به رو شدند. در این میان مشکل انحراف ها و بدعت ها و مشکل رفاه گرایی و تضعیف ارزش های دینی شایان دقت بیشتر است و در خطبه های ۱۶، ۱۹۲ و ۲۳۳ و نیز نامه ۲۷ مورد اشاره قرار گرفته است:

شما در زمانی به سر می برید که گوینده حق اندک است؛ زبان در گفتن سخن راست ناتوان است؛ طرفداران حق خوار و مردم به نافرمانی گرفتارند؛ جوان جامعه بدخو و پیرش گنهکار است؛ دانشور مردم دورو و فاری آنها سودجو است؛ نه خردسالشان سالمند را حرمت می نهد و نه توانگرشان مستمند را یاری می کند. (۹)

در فرازی از نامه ۲۷ می فرماید:

وَاعْلَمُ يَا مُحَمَّدُ بِنِ أَبِي بَكْرٍ أَنِّي قَدْ وَلَّيْتُكَ أَكْثَرَ أَجْنَادِي فِي نَفْسِي أَهْلَ مِصْرَ فَأَنْتَ مَحْفُوقٌ أَنْ تَخَالَفَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَأَنْ تَنْفَعَنِي عَنْ دِينِكَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ إِلَّا سَاعَةٌ مِنَ الدَّهْرِ وَ لَا تُسْخِطُ اللَّهَ بَرَضًا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ فَإِنَّ فِي اللَّهِ خَلْفًا مِنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فِي غَيْرِهِ صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَهَا الْمُؤَقَّتُ لَهَا وَ لَا تَعْجَلْ وَ قَتَلَهَا لِفِرَاعٍ وَ لَا تَوَخَّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعٌ لِصَلَاتِكَ.

به این معنی که و بدان ای محمد، پسر ابوبکر! که من تو را بر مردم مصر والی گردانیدم، مردمی که در نظرم بزرگترین سپاهیان منند. پس تو را باید که با نفس خویش به پیکار درآیی و دین خود را حمایت نمایی، هر چند که در روزگار بیش از ساعتی نپایی، و خدا را به خاطر خشنودی هیچیک از آفریدگانش به خشم میاور، که خشنودی خدا جای نشین دیگر چیزهاست، و چیزی نیست - که توان گشت - جای نشین رضای خداست. نماز را در وقت معین آن به جای آر، و به خاطر آسوده بودن از کار پیش از رسیدن وقت آن را بر پای مدار، و آن را واپس مینداز به خاطر پرداختن به کار، و بدان که هر چیز از کار که به جای آری، پیرو نماز توست که برپا می داری.

بر این اساس، می توان استنتاج نمود که بنیادی ترین و برجسته ترین ویژگی حکومت امام علی علیه السلام استقراری و پایداری بر روی اصول، ارزش ها و قواعد دینی، اخلاقی و الهی است. با نگاه واقع بینانه به تاریخ اسلام ملاحظه می شود که در هیچ مرحله ای از دوران حکومت آن حضرت (ع) اجازه حرکت در خلاف آن اصول داده نشده است. دعوت به قسط و عدل و اجتناب از ظلم و ناعدالتی مشخص ترین نمود حضور اعتقادات دینی صحیح و شایسته در فرد، جامعه و حکومت است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. (۱۰)

امام علی علیه السلام در این خصوص چنین فرموده اند:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازد و پیش از آنکه با زبانش تربیت کند، با رفتار خود، تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا کسی که [پیش از خودسازی] آموزگار و مربی دیگران باشد. (۱۱)

فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَىٰ عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَىٰ لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَىٰ عِبَادِهِ وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ وَ لِكَيْتَهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَىٰ الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةَ الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ تَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ؛ پس حق، گسترده ترین چیزها در وصف کردن، و تنگ ترین آنهاست در اجرا کردن. حق، به سود کسی جریان نیابد، جز آن که به زیانش هم جریان یابد؛ و به زیانش جاری نشود، جز آن که به سودش جریان یابد و اگر بنا بود که حق به سود کسی جاری شود و به زیانش جاری نگردد، او خدای سبحان است نه آفریده های او، به جهت توانایی اش بر بندگان، و عدالتش در هر چیزی که قضایش بر آن روان است؛ ولی خداوند سبحان، حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داد و پاداش آن را دو چندان کرد، از در بخشندگی اش و افزون دهی ای که اهل آن است. (۱۲)

آن امام بزرگوار علیه السلام درباره رابطه حاکم و مردم در جامعه و حقوق متقابل آنها چنین فرموده اند:

وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْقًا بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَعْبُودِ وَ الْأَجَابَةِ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةَ حِينَ أَمُرُكُمْ؛ اما حق من بر شما وفای به بیعت و خیرخواهی برای من در حضور و پشت سر، و اجابت دعوت هنگامی که شما را بخوانم و اطاعت فرمان هنگامی که فرمان دهم... فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئَتِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا؛ حق شما بر من آن است که تا همراهتان هستم، خیرخواهتان باشم، درآمدهای عمومی را برایتان افزایش دهم، شما را بیاموزم تا نادان نباشید و شما را ادب کنم تا یاد بگیرید. (۱۳)

امام علی علیه السلام در این خصوص در خطبه ۱۹۲ معرف به خطبه قاصعه چنین فرموده اند:

أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْقُوا الْهَجِينَةَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَ جَاحَدُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا صَنَعَ بِهِمْ مُكَابِرَةً لِقَضَائِهِ وَ مُعَالَبَةً لِأَلَايِهِ فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصْبِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُوفُفُ اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَكُونُوا لِبَعِيهِ عَلَيْهِمْ أَضْدَادًا وَ لَا لِفَضْلِهِ عُنْدَكُمْ حُسَادًا وَ لَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ وَ خَلَطْتُمْ بِصِحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ وَ أَدَخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ وَ هُمُ أَسَاسُ الْفُسُوقِ وَ أَحْلَاسُ الْعُتُوقِ اتَّخَذَهُمْ إِيْلَيْسُ مَطَايَا ضَلَالٍ وَ جُنْدًا بِهِمْ يَصُولُ عَلَىٰ النَّاسِ وَ تَرَاجِمَةً يُنْطِقُ عَلَىٰ أَلْسِنَتِهِمْ اسْتِرْفَاقًا لِعُقُولِكُمْ وَ دُخُولًا فِي عُيُونِكُمْ وَ نَفْتًا فِي أَسْمَاعِكُمْ فَجَعَلَكُمْ مَرْمِي نَبِيلِهِ وَ مَوْطِئَ قَدَمِهِ وَ مَأْخَذَ يَدِهِ. (۱۴)

وجود مدیران و حکام صالح و شایسته یک نکته اساسی برای حکومت اسلامی است. شناختن کسی که دارای این صلاحیت است بالاتر از افق ادراک انسان‌ها و یا بالاتر از حد درک اشخاص عادی است. شاغل این پست و مقام باید از جهت صلاحیت و ملکات عالی انسانی و صفات شریف نفسانی از قبیل علم، حلم، عفو، اغماض، رحم، عدل، تواضع، احترام به آزادی حقوق انسان‌ها، نوع دوستی، عقل، کفایت، تدبیر، اطلاع بر دقائق امور دینی و روحانی و شرایط دیگر لایق و برجسته و ممتاز باشد و شناختن واجد این صفات فقط با هدایت و راهنمایی خداوند متعال امکان دارد. (۱۵) یکی از عمده ترین آفات حکومت از منظر امام علی علیه السلام روی کارآمدن حاکمان ناهل و فاقد صلاحیت است. از این رو امام علی (ع) اهتمام بسیاری نسبت به تبیین ویژگی های مدیران و حکام داشته اند. در اندیشه امام علی علیه السلام هیچ خطری برای به انداز خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و صلاحیت جامعه اسلامی را دستخوش تلاطم و آسیب قرار نمی دهد. امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ خطاب به مصریان این گونه فرموده اند:

بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند ... بی گمان مردمان هلاک شدند آن گاه که پیشوایان هدایت و پیشوایان کفر را یکسان شمردند و گفتند هر که به جای پیامبر (ص) نشست، چه نیکوکار باشد و چه بدکار اطاعت او واجب است پس بدین سبب هلاک شدند... در کار کارگزاران بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها و بی مشورت دیگران به کارشان مگمار، زیرا به رای خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربت و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آنها که در اسلام سابقه‌ای دیرین دارند. اینان به اخلاق شایسته‌ترند و آبرویشان محفوظ تر است و از طمعکاری بیشتر رویگردانند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند. در ارزاقشان بیفزای، زیرا فراوانی ارزاق، آنان را بر اصلاح خود نیرو دهد و از دست اندازی به مالی که در تصرف دارند، باز می‌دارد. و نیز برای آنها حجت است، اگر فرمانت را مخالفت کنند یا در امانت تو خللی پدید آورند. پس در کارهایشان تفقد کن و کاوش نمای و جاسوسانی از مردم راستگوی و وفادار به خود بر آنان بگمار. زیرا مراقبت نهانی تو در کارهایشان آنان را به رعایت امانت و مدارا در حق رعیت وامی‌دارد. بنگر تا یاران کارگزاران تو را به خیانت نیالایند. هرگاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس بود. باید به سبب خیانتی که کرده تنش را به تنبیه بیازاری و از کاری که کرده است، بازخواست نمایی. سپس، خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی. (۱۶)

امام علی علیه السلام جایگاه مدیران و حکام را در جامعه به رشته تسبیح برای دانه های آن تشبیه نموده اند:

به این معنی که برحذر و بیمناک باشید از اطاعت آقایان و بزرگان خود- کسانی که از ارزش های واقعی حیثیت خود را بالاتر تلقی کردند و بالاتر از نسب خود سربلند نمودند. زشتی کار خود را به خدا نسبت دادند! و درباره آنچه که خداوند با آنان انجام داده است، انکار ورزیدند. این همه (خطا کاریها) را در رویارویی جاهلانه و متکبرانانه با قضاء خداوندی و پیروزی جستن بر نعمتهای او مرتکب شدند. این خودخواهان خودکامه، برپا دارنده پایه عصیبتند و ستون های فتنه و آشوب و شمشیرهای انتساب خویش به جاهلیت، پس به خدا تقوا بورزید و با نعمتها او تضاد نورزید و حاسدان آن فضل و احسان مباحثید که به شما عنایت فرموده است. و اطاعت نکنید آن مدعیان اسلام را که با صفای درونی خود تیرگی های آنان را آشامیدید و با تندرستی های خود بیماریهای آنان را در هم آمیختید و باطل آنان را در حقتان داخل نمودید. آنان هستند پایه و بنیان فسق و همدستان های منکرین حقوق رسول خدا (صلی الله علیه و آله و) امام بر حق. شیطان، آنان را مرکبهای گمراهی برای تاختن اتخاذ کرد و لشکریانی که به وسیله آنان به مردم حمله می کند و ترجمان هایی که با زبان های آنان سخن می گوید، تا عقول شما را برابند (یا برده خود سازند) و برای داخل شدن در چشمان شما تا چیزی را نبینید و دمیدن در گوش های شما تا چیزی را نشنوید. او شما را نشانه تیر خود قرار داده و محل کوبیدن پا و گرفتن دستش.

به دلیل توجه خاص امام علی علیه السلام به مبانی اعتقادی مشتمل بر توحید، نبوت و امامت آشکار می‌شود که این مباحث نقشی اساسی و تعیین کننده در استحکام بخشی به پایه های فکری دارد و چه بسیار افرادی که چون مباحث ناب فکری و عقیدتی را از سرچشمه های اصیل و متعالی آن فرا نگرفته اند با هجوم اندک شبهه ای دچار نوسان و تلاطم و انحراف شدند و به بیراهه رفتند. امام علی علیه السلام با بهره گیری از سرچشمه های قرآنی بر این حقیقت مصر هستند که جامعه و حکومت اسلامی باید بر تحکیم پایه های اعتقادی و ایمانی مدیران و حکام مبتنی باشند و بدانند که انحراف عقیدتی از خطرناک‌ترین آفات جامعه و حکومت دینی است. به یقین می‌توان گفت که تحقق چنین جامعه ای مبتنی بر فهم دقیق جامعه و حکومت از یکدیگر و رعایت حقوق متقابل بین آنها واجد ضرورتی اساسی برای حرکت تکاملی فرد، جامعه و حکومت اسلامی به سوی ارزش ها و مبانی عقیدتی و اخلاقی راستین است و اندیشه های امام علی علیه السلام نمونه ای عملی و کاربردی و الگوی راستین قابل ارائه در مقیاس جهانی است. دور شدن از این فهم بنیادین نیز مصداق برجسته و بین ورود آفت به درون جامعه و حکومت و انحراف فردی است که سرمنشأ آفات و خسارات بی در پی خواهد بود. پرمسلم است که ضعف اعتقادی جامعه و حکومت عمده ترین آفت شمرده می‌شود و در تعالیم امام علی علیه السلام مورد هشدار های متعدد قرار گرفته است. تا اعتقادات فرد، جامعه و حکومت اصلاح نشود رسیدن به هدایت، تکامل و سعادت میسر نخواهد شد. این نکته مهم یکی از محوری ترین اندیشه ها در سیره امام علی علیه السلام است. آسیب روی کار آمدن مدیران و حاکمان ناشایست

مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ  
النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بَعْدًا فِيهِ أَبَدًا. (۱۷)

براین اساس، امام علی علیه السلام اهتمامی وافر به انتخاب و نصب مدیران و حکام کارآمد و شایسته دارند. از نظرگاه ایشان هیچ حکومتی بدون توجه به نقش مدیران و حکام شایسته توانایی نیل به اهداف خود را نخواهد داشت. در فرازی از نامه به اهل مصر چنین می نویسد:

ولکننی آسی أن یلی أمر هذه الامة سفهاؤها وفجارها، فیتخذوا مال الله دولاً وعباده خولاً، والصالحين حرباً والفساقین حزباً؛ همانا من بیم دارم که نابخردان و بدکاران زمام امور مملکت را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را به بردگی خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را دار و دسته خود سازند. (۱۸)

بنابراهمیت فوق العاده ویژگی ها و خصایص مدیران و حکام در گستره اندیشه اسلامی، امام علی علیه السلام معیارهای ذیل را برای آنها در نظر می گیرند:

معیار برخورداری از علم و حکمت:

امام علی علیه السلام فرموده اند: الْعِلْمُ يُنْجِدُ الْفِكْرَ (۱۹)

به این معنی که علم و دانش فکر و اندیشه را یاری می دهد و نیرو می بخشد.

امام علی علیه السلام به خصیصه علم و دانش و حکمت مسئولین و حکام توجهی خاص داشته و به صورت مکرر و به مناسبت های مختلف امام افراد با دانش را بر افراد فاقد دانش مقدم می دارند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَاعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ

همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و زمامداری کسی است که توانا ترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل باشد. (۲۰)

معیار سعه صدر و صبوری:

امام علی علیه السلام می فرمایند: آلَةُ الرَّئِيسِ سَعَةُ الصِّدْرِ

به این معنی که انسان های بزرگ قلب بزرگ و سینه فراخ دارد. (همان)

همت عالی و اندیشه بلند از ویژگی های این طیف از افراد است و همین امر از ویژگی های اساسی دولت مردان در نگاه امام علی نیز دانسته می شود.

معیار سابقه نیک و نداشتن سوء پیشینه: حقیقت امر این است که گذشته افراد آینه آینده رفتار آنهاست و می تواند بسیاری از ابهامات را برطرف می سازد. (۲۱)

امام علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر فرموده اند:

إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكُمْ مَنْ كَانَ يَلْأَشْرَارَ قَبْلَكَ وَزَيْرًا، وَمَنْ شَرَكْتَهُمْ فِي الْأَنْامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثْمَةِ، وَإِخْوَانُ فِي الْأَنْامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثْمَةِ، وَإِخْوَانُ الظُّلْمَةِ، وَأَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِمَّنْ لَهُ مِثْلُ أَرَائِهِمْ وَنَفَاذِهِمْ

بدترین وزیران تو کسانی اند که وزیران والیان بدکار پیش از تو بوده اند و با آنان در گناهان همکاری کرده اند ... مردان پاکدامن

هزینه کمتری بر تو تحمیل می کند و نسبت به تو مهربان ترند و با بیگانه کم الفت ترند.

معیار داشتن همت بلند و عدم تکیه بر همراهان سست و نا اهل:  
وَلَا تَدْخُلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَيَعِدُّكَ لِقَفَرٍ؛  
وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ؛ وَلَا حَرِيصًا يُزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجُورِ،  
فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ.

به این معنی که در امور خود بخیل را وارد مشورت مکن که تو را از بخشش مانع گردد، و از تهیدستی می ترساند؛ و همچنین با بزدل و ترسو که تو را در اجرای برنامه هایت سست می نماید؛ و نه با طمعکار که حرص براندوختن و ستمگری را در نظرت می آراید.

(۲۲)

معیار بلند نظری و نگاه رو به آینده: امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵۴ فرمودند:

وَ نَاطِرُ قَلْبِ اللَّيْبِ، بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ وَيَعْرِفُ عَوْرَهُ وَ نَجْدَهُ.

به این معنی که خردمند با دیده دل پایان کار خویش را می نگرد و فرود و فراز آن را می شناسد.

معیار مقاوم بودن در برابر سختی ها و رویاروشدن با بحران ها:

حضرت علی (ع) در این مورد در نامه ۵۳ به مالک اشتر فرموده اند:  
فَوَلِّ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرِسُولِهِ وَ لِأَمَامِكَ، وَ  
أَنْقَاهُمْ جَبِيًّا، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا...

آن گاه از لشکریان خود آن را که در نظرت نیکخواه ترین آنها به خدا و پیامبر او و امام توست، به کار برگمار. اینان باید پاکدامن ترین و شکیباترین افراد سپاه باشند، دیر خشنماک شوند و چون از آنها پوزش خواهند، آرامش یابند. به ناتوانان، مهربان و بر زورمندان، سختگیر باشند. درشتیشان به ستم بر نینگیزد و نرمیشان بر جای نشانند.

ایشان می فرمایند: پس برای مشاغل کلیدی از سپاهیان و لشکریان خود کسی را انتخاب و مسئول بنما که در برابر دشواری ها و پیش آمدهای سخت و تلخ استوار باشد و مصیبت های بزرگ وی را از پا نشانند. فردی باشد که هنگام ناتوانی و ضعف دیگران بر او ضعف و ناتوانی غالب نشود و بر اثر بی خیالی دیگران بی تفاوت نگردد

معیار تهور و شجاعت

امام علی علیه السلام در آن نامه به مالک اشتر می فرمایند: ثُمَّ أَلْصِقْ  
بِذَوِي الشُّجَاعَةِ.

به این معنی که به اهل شجاعت بپیوندد و آنها را به عنوان کارگزار انتخاب نما. (۲۳)

معیار تساهل و تسامح در عین قاطعیت:

امام علی علیه السلام در این خصوص نیز اهتمام جدی داشته و می فرمایند:

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، اما آنجا که جز با شدت عمل کارها پیش نمی رود. شدت عمل به خرج ده و پر و بال خود را برای مردم بگستر و با چهره ای متمسک با آنان رو به رو شو و نرم خوبی با آنان را نصب العین خود قرار ده. (۲۴)

معیار احترام و توجه به فقرا:

توجه به مسایل و مشکلات روحی، اقتصادی و یا خانوادگی کارمندان علاوه بر این که مسولیت دینی دولت مردان است، می تواند

و «آسیب روی کار آمدن مدیران و حکام ناشایست». بی‌اعتنایی و دور شدن از اندیشه‌های قرآنی و سنن الهی و سیره رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و تبعیت از ارزش‌های عصر جاهلیت و من جمله کفر و شرک و مادی‌گرایی که به برترین شکل ممکن در سخنان امام علی علیه السلام و برای مثال خطبه قاصعه ذکر شده است حکایت از ضعف اعتقادی جامعه و حکومت به عنوان یک آفت اساسی و زیربنایی دارد. عدم برخورداری از علم و حکمت، نداشتن سعه صدر و صبوری، نداشتن سابقه نیک و داشتن سوء پیشینه، عدم همت بلند و متکی بودن بر همراهان سست و نااهل، کوتاه‌نظری و نداشتن نگاه رو به آینده و توسعه‌گرا، ناتوانی در برابر سختی‌ها و بحران‌ها، نداشتن تهور و شجاعت در مقابله با ستمگران، عدم قاطعیت، بی‌توجهی و عدم تکریم فقرا و مستضعفین و در نهایت نداشتن روحیه نقد‌پذیری از مهم‌ترین معیارها و مشخصه‌های برشمرده شده درباره آسیب روی کار آمدن مدیران و حکام ناشایست می‌باشند که توسط امام علی علیه السلام در مواقع و مواضع متعدد مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. در مجموع می‌توان گفت که امام علی علیه السلام حتی لحظه‌ای از حیات خود را در مقابل خدا و رسول (ص) اظهار مخالفت نکردند و امروزه صحت و اعتبار این گفته ابن ابی‌الحدید که هیچ‌کس به اندازه ابوطالب و فرزندان علی و جعفر (علیهم السلام) پیامبر اکرم صلوات الله علیه را یاری نکردند امری پرمسلم و واضح می‌باشد. (۲۶) این گونه نگرش و عملکرد ترجمان اصلی معنویت و سلامت و رمز بقا و توسعه پایدار در جامعه و حکومت اسلامی است.

## References

1. Qadri, Hatem (2012), Political Thoughts in Islam and Iran, Tehran: Samt Publications.
2. Sobhani, Jafar (1376), Forough Velayat, Qom: Sahifa Publications.
3. Kilini, Mohammad bin Yaqub Kilini, Usul Kafi, vol. 8.
4. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, vol.6.
5. Nahj al-Balagha, sermon 216.
6. Nahj al-Balagha, Hikmat 252.
7. Ibn Shuba Harrani and Hasan Ibn Ali (1404), Tohf al-Aqool, Qom: Jamia Madrasin Hozamieh.
8. Nahj al-Balagha, sermon 136.
9. Nasiri, Mohammad (2015), Tehran: Maar Publishing House
10. The Holy Qur'an, Surah Ma'idah, verse 8.
11. Nahj al-Balaghe, Hikmat 73.
12. Nahj al-Balagha, sermon 216.

سبب بالا رفتن نتایج کاری آنان شود که در نهایت رشد و ترقی جامعه و رضایت مردم را به دنبال دارد. امام در نامه ۵۳ می‌فرماید آن‌گاه به حد وافی نیازمندی‌های آنان را تأمین کن که این خود امکان می‌دهد که در اصلاح خویش بکوشند و از تصرف در اموالی که در اختیارشان می‌باشد بی‌نیاز گردند، حجت را بر آنان تمام می‌کند که عذری برای مخالفت با امر تو یا خیانت به امانت تو نداشته باشند. رحمت بر رعیت و محبت و لطف به آنان را به قلبت قابل دریافت ساز و هرگز درنده خون‌آشام بر آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری... در وضع معیشتی آنان گشایشی پدید آور؛ زیرا این روش آنان را در اصلاح خود نیرو بخشیده و برای پاک‌سازی خود تشویق می‌کند و آنان را از دست درازی به اموالی که در اختیار دارند، بی‌نیاز می‌سازد.

معیار داشتن روحیه انتقادپذیری:

نقد یا انتقاد به معنی طرح اشکالات و نقاط ضعف به تنهایی و به شکل جانبدارانه نیست. در جامعه انتقاد سبب مشخص شدن تصمیم‌ها و سیاست‌های نادرست مدیران و حکام شده و در کنار اصلاح امور مشروعیت آنها و نظام سیاسی را نیز افزایش می‌دهد. البته لازم به اشاره است که انتقاد نمودن با عیب‌جویی و اشکال‌تراشی تفاوت ماهوی دارد. این نکته مهم در سیره امام علی علیه السلام نیز به روشنی مورد عنایت ویژه واقع شده است. آن امام بزرگوار علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

برخوردت با کارگزاران، به گونه‌ای باشد که جرأت داشته باشند عیوب تو را یادآور شوند. انتقاد باید از روی خیرخواهی باشد، نه به قصد برتری جویی؛ چرا که انتقاد با عیب‌جویی فرق دارد، و عیب‌جویان فقط درصدد تضعیف هستند. از رعیت خود، آنان را که عیب‌جو ترند، از خود دور کن. (۲۵)

## نتیجه‌گیری

سلامت معنوی جامعه و حکومت مبتنی بر شناخت صحیح و بنیادین آسیب‌ها و مشکلات مختلف اجتماعی و سیاسی است. توسعه سیاسی و اجتماعی در اسلام منهای توجه به این سلامت معنوی فاقد اصالت است. برجسته‌ترین ویژگی حکومت امام علی علیه السلام استقراری و پایداری بر روی اصول، ارزش‌ها و قواعد دینی، اخلاقی و الهی است. در هیچ مرحله‌ای از دوران حکومت آن حضرت (ع) اجازه حرکت در خلاف آن اصول داده نشده است. دعوت به قسط و عدل و اجتناب از ظلم و ناعدالتی مشخص‌ترین نمود حضور اعتقادات دینی صحیح و شایسته در فرد، جامعه و حکومت است. امام علی علیه السلام در راستای معرفی و زدودن انحراف‌ها از اسلام و جامعه و حکومت اسلامی تلاش نموده‌اند و در بسیاری از حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه و نیز اثر ارزشمند غررالحکم و دررالکلم می‌توان خطوط برجسته اندیشه‌های مولای متقیان جهان علیه السلام را مورد مشاهده، شناخت و واکاوی قرار داد. در میان تمام آفات و آسیب‌های برشمرده شده آنچه که از نقش مهم‌تر و اساسی‌تری برخوردار است و با زدودن و یا دست‌کم مهار کردن آن می‌توان سایر آفات و آسیب‌ها را نیز از بین برد در دو محور خلاصه می‌شود؛ «آسیب و ضعف اعتقادی در جامعه و حکومت»

13. Nahj al-Balagha, sermon 34.
14. Nahj al-Balagha, sermon 192.
15. <http://www.saafi.com>
16. Nahj al-Balagha, letter 53.
17. Nahj al-Balagha, sermon 146.
18. Nahj al-Balagha, letter 62.
19. Imam Ali, peace be upon him, Gharral al-Hakm wa Darr al-Kalam, by Hemat Mahalati, Qom: Farhang Islamic Publishing House.
20. Nahj al-Balagha, sermon 173.
21. The same.
22. The same.
23. The same
24. The same.
25. Nahj al-Balagha, letter 46
26. Ibn Abi al-Hadid (1378 A.H.), Commentary on Nahj al-Balagheh, researched by Muhammad Abulfazl Ibrahim, Cairo: Dar Ihya al-Kitab al-Arabiya.